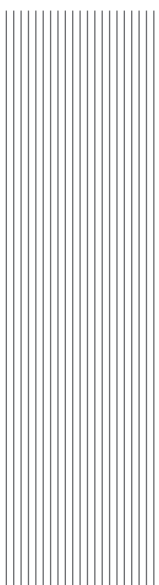
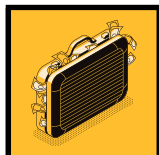


گذران زندگی آنان را فراوان کن و کامل ساز که این امر برای ایشان نیرویی است که با آن کارهای خود را به صلاح آرند و موجبی است برای بی‌نیاز بودن آنان از دست‌اندازی به اموال و چیزهایی که در اختیارشان می‌باشد و جواب قاطعی است در مقابل آن‌ها، اگر با امر تو مخالفت کنند یا در امانت تو رخنه وارد آورند و خیانت ورزند.»

فساد از عوامل اصلی بازماندن جوامع از دستیابی به اهداف و آرمان‌ها و از موانع اصلی رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود. فساد پدیده‌ای پیچیده، چندوجهی، پویا و دائماً در حال تغییر چهره و پوست‌اندازی است و متناسب زمان و مکان بروز و ظهور پیدا می‌کند. اساساً فساد با پنهان‌کاری عمدی و همدستی کنشگران آن صورت می‌گیرد و این عوامل، فرآیند شناسایی و سرکوب آن را با دشواری مواجه می‌سازد و طولانی می‌کند.

غول فساد انواع و اقسام گوناگون دارد از فساد سیاسی و قانون‌گذاری تا فساد اداری، مالی، اقتصادی، قضایی و اخلاقی و از فساد خرد و کلان، فردی و سازمان یافته، تا موردی و سیستماتیک را شامل می‌شود. بیماری مسری فساد ابتدا از فساد اداری و موردی شروع و در صورت عدم واکنش سریع، حساسیت لازم و لایوشانی، ضمن از بین رفتن تدریجی قبح آن همه‌گیر شده و به دیگر بخش‌های اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری، نظارتی، هنری، ورزشی، آموزشی، درمانی، رسانه و... رسوخ و همچون سرطان همه‌ی بافت‌ها را درگیر می‌کند و به بیماری لاعلاج تبدیل و در نهایت به مرگ و نابودی منتهی می‌شود.

مظاهر فساد و عوامل رویش و شیوع آن بسیار متنوع هستند. فساد از رشوه، اخاذی، اختلاس، دزدی، تقلب، کلاهبرداری، احتکار، جعل، انحصار، دریافت مزایا و امتیاز غیرمعارف، سوءاستفاده از موقعیت شغلی، فرار



در جست‌وجوی مدل مبارزه با فساد

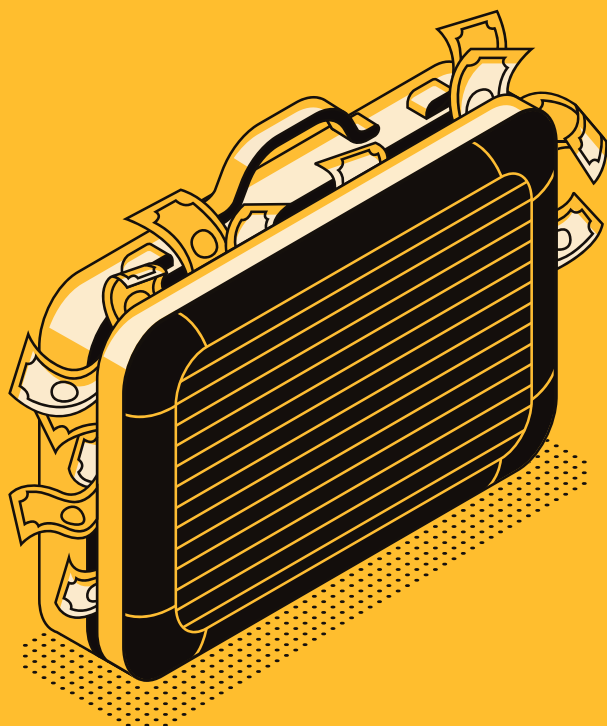
سید محمد علوی

کمی از ثروت پادشاه را نجشیده باشد. دولت در چین باستان به جهت افزایش تاب‌آوری مقامات در برابر وسوسه‌های فساد مبلغی را به عنوان ندای ضد فساد به آن‌ها پرداخت می‌کرد. ابن خلدون علت اصلی فروپاشی تمدن‌ها را فساد عنوان کرده است.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند دولت عنصر اصلی و متهم ردیف اول در پیدایش فساد است و صاحبان کسب‌وکارها در تله‌ی فساد گرفتار می‌شوند و از قربانیان اصلی آن به‌شمار می‌روند و تاوان فساد را می‌دهند. از نظر اسلام میان فساد حاکمان و فساد مردم رابطه‌ی مستقیم و مثبتی وجود دارد و اصل «الناس علی دین ملوکهم» بر این موضوع تأکید دارد که مردم و کارمندان به حاکمان و مسئولان خود اقتدا می‌کنند. حضرت امیرالمومنین علی (ع) نیز پرداخت دستمزد واقعی کارگزاران را موجب بی‌نیازی آنان از دست‌اندازی و خیانت به بیت‌المال می‌دانستند و از ایشان نقل است «سپس رزق و وسیله‌ی

فساد در لغت به معنی تباهی است. ریشه‌ی آن از «فسد» به معنی نقیض صلاح و ضد آن عنوان شده است. فساد به معنای خارج شدن از حالت اعتدال خواه کم یا زیاد نیز بیان شده است. در آیات الهی فساد به تباهی، بی‌نظمی، دگرگونی، سرکشی و عصیان تعبیر شده است. معادل انگلیسی فساد کلمه‌ی «CORRUPTION» است که ریشه‌ی آن کلمه‌ی «RUMPERE» به معنی شکستن است؛ چراکه در فساد چیزی نقض می‌شود.

فساد پدیده‌ی جدیدی نیست. همیشه سطوحی از فساد از قدیم بوده، هست و خواهد بود. پیشینه‌ی فساد در جوامع بشری قدمتی به اندازه‌ی حکومت و دولت دارد و تقریباً هم‌زمان دولت است. حدود دوهزار سال پیش یکی از مقامات هندوستان در سندی اعلام کرد امکان ندارد کسی با بیت‌المال سروکار داشته باشد و حداقل مقدار



مالیاتی، فرار از پرداخت حق بیمه، فرار از پرداخت حقوق و عوارض قانونی، مصرف وام بانکی در غیر از محل مجاز مربوط، عدم تسویه بدهی بانکی و مالیاتی، سوءاستفاده از حق، داراشدن برخلاف حق، جانب‌داری، زیرمیزی، پارتی‌بازی، توطئه و تبانی، شهادت دروغ، نقض قوانین، پول‌شویی، هدیه‌دهی، رابطه‌مداری در انتصابات، حق حساب، کم فروشی، قاچاق، رانت، پورسانت، خویشاوندسالاری، رفیق‌سالاری، اطراف‌سالاری، آشنابازی، تمرکز قدرت، تفکر ژن خوب، فقدان صلاحیت علمی، حرفه‌ای و اجرایی، تبعیض، کاغذبازی و فرآیندهای کاغذی، دیوان‌سالاری، فقدان امنیت شغلی، دستمزد پایین، فقدان چشم‌انداز روشن، تصدی چندین شغل دولتی، تعارض منافع، امضای طلایی، امضافروشی، کمبود اصول رفتاری و اخلاقی، ناامیدی، سانسور، بزرگی دولت، دولت‌سالاری، عدم شفافیت، پنهان‌کاری، مصونیت، فعالیت غیررقابتی، قوانین پیچیده،

قوانین تبعیض‌آمیز، سیاست‌های غلط و دستوری، بیکاری، بیگاری، هزینه‌ی پایین انجام فساد، تورم بالا، نابرابری و شکاف طبقاتی، مدیران فسیل، کارتابلی، پوشکی، چسب دو قلویی، اشرافیت دولتی، جذابیت مشاغل دولتی، مسخ معیارهای حرفه‌ای و نفی لیاقت گرفته تا... فساد سوءاستفاده از قدرت دولتی در جهت دستیابی به منافع شخصی و تخلف آگاهانه از قوانین و اخلاق است. فساد عملی غیرقانونی و آگاهانه با هدف دستیابی به ثروت و قدرت شخصی است. فساد در تمام سطوح قدرت از خرد و کلان رخ می‌دهد و دارای ابعاد جهانی، ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی دارد. ممکن است خواسته یا ناخواسته توسط هر عامل از مقامات حاکمیت تا صاحبان کسب‌وکار صورت گیرد. فساد نشان‌دهنده‌ی اشکالات حکمرانی، سوء مدیریت، عدم شفافیت، ناکارآمدی ساختارها، شکاف‌های سیستمی و فقدان حاکمیت قانون است. فساد همچون گلوله‌ی برف است که در آغاز

خیلی کوچک و پس از راه افتادن و طی مسیر مرتب بر حجم آن افزوده شده و در نهایت منجر به بروز بهمن می‌شود پس هرچقدر زمان بیش‌تری از شروع آن سپری شده باشد خرابی و آواربرداری آن نیز بیش‌تر می‌شود و عوارض و پیامدهای فرعی آن نیز بسیار مخرب و مهلک است. فساد موردی در صورت رفتار و برخورد کبکی به فساد فراگیر منتهی می‌شود که در آن صورت فرد و یا نهاد پاک‌دست و سالمی برای برچیدن فساد وجود نخواهد داشت. به‌قولی رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون گرچه در این زمینه ادعا کنیم که سالم و خوب هستیم. درخت جان سخت فساد هزاران شاخ و برگ دارد و رنگارنگ و فریبنده و وسوسه‌کننده است. درخت فساد میوه و ثمره‌اش نابرابری، فقر، ناامیدی، بی‌اعتمادی، بی‌ثباتی، بی‌نظمی، بی‌عدالتی و بدبینی است. فساد به‌تدریج بنیان‌های جامعه را سست و مشروعیت حاکمیت را زیر سؤال می‌برد و در آخر با کوچک‌ترین



تلنگری همچون ساختمان پلاسکو فرو می‌ریزد. علاج آن نه زدن شاخه و برگ‌ها و سم‌پاشی و هرس کردن بلکه زدن آن از ریشه است، تا بنیان درخت فساد از ریشه خشکانده نشود. ریشه اگر پا برجا باشد، بنابراین درخت و شاخ و برگ فساد هم رویش خواهد کرد. شاید رنگ و برگ عوض کند. بدون سازوکار مشخص ضد فساد و عدم برخورد ریشه‌ای با علل فساد و انجام اقدامات جزیره‌ای و باری به هر جهت و برخورد با معلول فساد در واقع اتلاف وقت و آب دره‌اون کوبیدن، سرگرمی و نتیجه‌ی آن عدم کاهش پایدار فساد است.

در مباحث فساد و برخورد با آن بحث کلیدی راه‌حل، مدل و راهکارهای رهایی از فساد است. فرایندها و نهادهای مستعد فساد، فسادزا و فسادپرور کدام است؟ بستر و منشاء فساد کجاست؟ چه‌گونه از شر فساد باید نجات یافت؟ نسخه‌ی شفابخش ضد فساد کدام است؟ راه‌حل مشخص ضد فساد چیست؟ مطالعات تجربی نشان می‌دهد برخی از سازمان‌ها و عملیات از جدایی‌ت و استعداد بیش‌تری برای فساد

برخورد دارند. پلیس، شهرداری، شرکت دولتی، شرکت بورسی، صندوق‌های پس‌انداز و بازنشستگی، مناطق آزاد، دستگاه نظارتی، محاکم قضایی، مؤسسات خیریه، موقوفه‌ها، دستگاه مالیاتی، گمرک، شبکه بانکی، صرافی، لیزینگ، خصوصی‌سازی، نظام تأمین اجتماعی، شبکه‌ی بیمه‌ی بازرگانی، مناقصه و مزایده، واردات و صادرات و... بیش‌ترین ارتباط و تماس را با ارباب رجوع دارند و بیش‌تر دیده می‌شوند لذا بزرگ‌ترین لطمه را می‌توانند به حیثیت و منافع عمومی وارد کنند و بنابراین باید در اولویت واکسیناسیون، درمان و ریشه‌کنی فساد قرار گیرند. مفسدین حس بویایی و قدرت «کف‌بینی» قوی دارند و مدیران هالو را سریع تشخیص می‌دهند و نقاط ضعف سیستم‌های نظارتی و دفاعی را سریع پیدا می‌کنند این‌ها و ویروس‌هایی هستند که سیستم‌ها آن‌ها را پرورش می‌دهد. در حال حاضر از قطع بازوی مفسدان، اعدام محکومین فساد اقتصادی، برخورد با آقازاده‌ها، پرداخت مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان پاداش به افشاکنندگان

فساد، راه‌اندازی کانال تلگرامی توسط مدیرعامل یک سازمان دولتی جهت افشای فساد یک سازمان خصوصی و رقیب، مبارزه با فسادهای میلیارد دلاری تا تشکیل سازمان مستقل فرا قوه‌ای مبارزه با فساد و... مطرح و در حال انجام است. اما به‌قول مولانا هر کسی از ظن خود شد یار من، از درون من نجست اسرار من، انتخاب رویکرد و راهبرد مقابله با فساد بسیار حایز اهمیت است. مبارزه با مفسد؟ مبارزه با فساد؟ پیش‌بینی؟ پیش‌گیری؟ درمان ریشه‌ای؟ یا درمان مقطعی و مسکنی؟ نقطه‌ی شروع مبارزه با فساد کجاست؟ تجربیات جهانی می‌گوید پیش‌بینی و پیش‌گیری فساد باید بخش جدایی‌ناپذیر مدل مبارزه با فساد باشد. اتخاذ راهکارهای جامع، یکپارچه و متوازن مبتنی بر بازنگری ساختارها، اصلاح رفتارها و برقراری محیط نظارتی، هوشمند و اخلاق‌محور بسیار حایز اهمیت قلمداد شده است. عدم جامعیت، فقدان هماهنگی، عدم توازن راهکارهای مبارزه با فساد و اقدامات گسسته اثربخشی و کارایی فرآیند مبارزه با فساد را خنثی و همچون مسکن صرف در برابر فساد عمل می‌کند. شواهد تجربی می‌گوید همه‌ی مسئولان در این مسیر باید اول از اطراف خود و سازمان متبوع خود شروع کنند. قدم اول باید درست برداشته شود. نسخه پیچیدن برای دیگران و معلم شدن در این زمینه بی‌فایده است. مبارزه با فساد بیش‌تر «عامل» می‌خواهد تا «آمر». مبارزه با فساد متأسفانه با موعظه امکان‌پذیر نیست. بلکه فقط و فقط عینی و عملی است. همه در این کارزار به دنبال سرمشق هستند. خداوند متعال در آیه‌ی ۴۴ سوره بقره می‌فرماید «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟» دیگر رویکردها و ابزارهای سنتی قادر به پیشگیری و سرکوب فساد نیستند. حدود ۳۰ الی ۴۰ سال پیش و در شروع

همگرایی جهانی در مبارزه با فساد در کشورهای با اقتصادهای در حال گذار و همراه با گسترش دموکراسی و اهمیت حکمرانی خوب، بهترین گزینه را «راه حل مبارزه با فساد، مبارزه با فساد است» می دانستند و در این خصوص، تأسیس نهادهای تخصصی مبارزه با فساد به عنوان یکی از ابتکارات بی بدیل و طبیب جمله دردهای ما شمرده می شد. اما تجارب حاصله از این بابت نشان داد تأسیس سازمان های واحد مبارزه با فساد در کشورهای مختلف با خوش بینی زیادی همراه بود. تجربیات موجود نشان می دهد اکثر این نهادها از تأثیرات اندکی برخوردار بودند و در نهایت کارکرد و اثربخشی آنها زیر سؤال رفته است. این ناشی از ماهیت پیچیده، مخفی و تو در تو هیولای هزار چهره ی فساد است. فهم، درک و شناخت علل و عوامل شکل گیری فساد و نقاط مستعد رویش فساد و آسیب پذیر، سرچشمه های اصلی و فرایندهای فسادزا که تحت تأثیر موضوعات سیاسی و سیستم حکمرانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و حقوقی قرار دارد از اهمیت زیادی در این خصوص برخوردار است. تمرکز بر مبارزه با فساد به جای تمرکز بر مبارزه با فاسد و چرخش از مبارزه ی صرف با مصادیق فساد به اقدامات پیشگیرانه و دفاعی از تغییرات این رویکرد در سطح جهان بود.

در ادامه، سازمان شفافیت بین الملل مدل نظام یکپارچه ی مبارزه با فساد را مبتنی بر توسعه ی پایدار، حاکمیت قانون و کیفیت زندگی ارایه نمود. هم اکنون ساختارهای عریض و طویل در قوای مجریه، قضاییه و مقننه در مبارزه با فساد چرا زمین گیر هستند؟ نهادهای نظارتی و مراقبتی در کشور نه تنها کم نداریم بلکه در این زمینه چه بسا نهاد زیادی و موازی داریم، باید تعداد افسراد نظارت کننده و نظارت شونده با هم تناسب داشته باشد نمی شود که



نظارت کننده ها از نظارت شونده ها پیشی بگیرند. در حال حاضر وضعیت این گونه شده است. تشکیلات فرا قوه ای: مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، سازمان اطلاعات سپاه، شورای هماهنگی دستگاه های نظارتی، مؤسسه حسابرسی مفید راهبر. قوه ی مجریه: نهاد ریاست جمهوری (ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هیأت عالی گزینش، سازمان برنامه و بودجه، مرکز ملی رقابت) بانک مرکزی (ناظر قانونی بانک ها و مؤسسات اعتباری و مؤسسات پولی غیربانکی)، بیمه ی مرکزی (ناظر قانونی شرکت های بیمه)، وزارت اطلاعات (حراست کل، معاونت اطلاعات اقتصادی، کمیته ی مقابله با فساد، استعلام انتصابات مقامات)، وزارت امور اقتصادی و دارایی (معاونت نظارت مالی، سازمان حسابرسی، هیأت عالی نظارت سازمان حسابرسی متشکل از نمایندگان سه قوه، سازمان بورس و اوراق بهادار، هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی، هیأت عالی نظارت بر حسابداران رسمی، هیأت عالی انتظامی حسابداران رسمی، مرکز اطلاعات مالی و مبارزه با پول شویی، دفتر امور شرکت های دولتی)، وزارت خانه ها، سازمان ها و مؤسسات دولتی و عمومی (حراست، گزینش، ذی حساب، بازرسی، ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، کارگروه ارتقای سلامت اداری، هیأت بازرسی کل کشور مستقر، هیأت دیوان محاسبات کشور مستقر)، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی. قوه ی قضاییه: دادستانی کل کشور، معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه، حفاظت اطلاعات قوه، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور، دادگاه عالی انتظامی قضات، دفتر نظارت و ارزیابی

رفتار و عملکرد قضات، محاکم قضایی. قوه ی مقننه: معاونت نظارت مجلس، دیوان محاسبات کشور، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، هیأت بررسی و تطبیق قوانین و هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلامی. بخش خصوصی: مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، دیده بان شفافیت و عدالت، که فعالیت اصلی یا بخشی از فعالیت شان نظارتی است. در عین حال باز هم دنبال تأسیس نهاد نظارتی هستیم! مجدداً دنبال معلول می گردیم!

باید از تجارب جهانی درس بگیریم و چرخ را دوباره اختراع نکنیم. یه مثالی در این باب اشاره می کنم: چه عواملی باعث حرکت یک اتومبیل می شود؟ راننده، موتور، گیربکس، استارت، چرخ، بنزین، برق و...؟ پاسخ: هیچ کدام به تنهایی باعث حرکت خودرو نخواهند شد. اول وجود همه ی عوامل ضروری متوازن، دوم هماهنگی کارکردی کامل آنها و سوم راننده ی حرفه ای که اراده به حرکت خودرو دارد. در صورت نبود کوچک ترین جزء از اجزای خودرو شامل چند پیچ چرخ و غیره اتومبیل حرکت نخواهد کرد. مکانیسم ماشین مبارزه با فساد هم مشابه همین مدل است. راننده ی کاربرد نرم افزار سیستم است. اسم و رسم تشکیلات باید توامان باشد. ما فقط اسم خیلی از ساختارها را درست کردیم و رسم آنها را جاری نکردیم. راه حل جهانی در این مدل توسعه و گسترش مویرگی ظرفیت های پیشگیرانه و کشف فساد در کشور است. مبارزه با فساد کار یک شخص و یک سازمان به تنهایی نیست. مبارزه با فساد مستلزم آگاهی، اطلاعات و مشارکت همه جانبه ی همه ی آحاد ملت است. مبارزه با فساد باید تبدیل به مطالبه ملی و خیزش و پویش فراگیر شود. باید همه با هم از انفعال در برابر اقدامات فاسد به مشارکت کنندگان فعال علیه

فساد بدل شویم.

از سوی دیگر دولت و قوانین نیز باید ضمن تضمین مصونیت افشاگران و مخبرین فساد با حمایت‌های مادی، معنوی و حقوقی انگیزه‌ی نظارت مردمی را تقویت کنند. فرهنگ به‌اصطلاح «آدم‌فروشی» باید به فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر تبدیل شود. این امر ضروری دینی در حال حاضر به صورت معکوس اجرا می‌شود یعنی حکومت، مردم را امر به معروف می‌کند در صورتی که درست آن، امر به معروف حاکمان و مسئولان، توسط مردم بوده است. شیوه‌های نظارت در کشورهای پیشرفته از پایین به بالا طراحی شده‌اند ولی رفتار ما در تمام امور از بالا به پایین است. شواهد تجربی کشورهای پیشرو در این زمینه عنوان می‌کند که حدود نیمی از فسادهای کشف‌شده توسط نظارت‌های مردمی صورت گرفته است. مدل مورد استفاده در این زمینه توسط پلیس‌های گشتی انگلستان در با خبر کردن دیگر پلیس‌های گشتی از وجود افراد خلاف‌کار در شهر بر پایه یک سنت قدیمی هنگام برخورد با یک فرد خلاف‌کار در شهر، هم‌زمان با تعقیب وی، در سوت خود می‌دمیدند تا با اطلاع‌دادن به دیگر همکاران خود، آن خلاف‌کار را دستگیر کنند. بر همین بنیاد، قاعده‌ی «سوت‌زنان [افشاگران] فساد» در بیش‌تر کشورها و امور تعمیم یافته و مورد استفاده می‌باشد.

اصل تشهیر در این خصوص می‌گوید مفسدین باید شهره‌ی عام و خاص شوند. امروزه در کشورهای پیشرو از برنامه‌های کاربردی تلفن همراه در عملیات پیشگیرانه و کشف فساد استفاده می‌کنند در چین نرم‌افزار موبایلی به نام map of deadbeat debtors درست کرده‌اند که نقشه‌ی آن‌لاین بدهکاران را به طلبکاران نشان می‌دهد. با این اپلیکیشن قابل‌نصب روی موبایل می‌توان فهمید فرد بدهکار



کجاست تا بتوان به آنجا رفت و قرض خود را گرفت. این برنامه‌ی کاربردی که از طریق Wechat قابل‌دسترسی است، می‌تواند تا شعاع ۵۰۰ متری کاربر افراد بدهکار را نشان دهد. این نرم‌افزار بخشی از سیستم اعتبار اجتماعی است که در چین از سال ۲۰۲۰ به‌طور کامل اجرا خواهد شد و افراد بر اساس امتیاز اجتماعی، حق‌حقوق عمومی خواهند داشت. هم‌چنین در چین روش‌های بازدارنده و تنبیهی مؤثر و قاطعی در مبارزه با فساد اجرا می‌شود. در این کشور برای پیشگیری از فساد میان مسئولان دولتی تور یک‌روزه‌ی بازدید از زندان برای مدیران اجرا می‌شود. حبس ابد و اعدام از مجازات‌های اصلی مفسدان اقتصادی در چین است. برای نمونه حبس ابد رئیس شعبه‌ی بانک دولتی، معاون کمیسیون ملی توسعه و اصلاح، شهردار نانجینگ، معاون کمیسیون مرکزی حزب حاکم برای بازرسی نظم و انضباط، رئیس سرویس امنیت داخلی و مجازات اعدام برای وزیر راه‌آهن، رئیس سازمان غذا و دارو، یک دادستان، دو معاون فرماندار و مدیرعامل یک شرکت معدنی بزرگ در سنوات اخیر قابل ذکر است. یا در هند با اپلیکیشن «من رشوه پرداخت کرده‌ام» می‌توان پیام و تصویر آن‌لاین برای مقامات مسئول فرستاد و پیگیری کرد.

باید این تجربیات مورد استفاده واقع شود باید همه‌ی هزینه مبارزه با فساد را بدهیم، نمی‌شود هم جامعه‌ی سالم بخواهیم و هم تن به هزینه‌ی آن ندهیم. حاکمیت باید هزینه‌ی انجام فساد را بالا ببرد. گویا هم‌اکنون همه منتفع از فساد و نمک‌گیر آن شده‌ایم، چراکه سکوت علامت رضاست. در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ حدود مبلغ هشت‌هزار میلیارد تومان درآمدهای دولت از محل جرایم دریافت شده، شامل جرایم رانندگی، تغییر کاربری اراضی، مبارزه با قاچاق کالا، ارز، مواد مخدر، خسارت زیست

محیطی و منابع طبیعی و غیبت مشمولان سربازی، است. حدود ۷۰ درصد درآمد شهرداری‌های سراسر کشور از محل جرایم ناشی از آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها و فروش تراکم و مازاد حاصل می‌شود. بودجه‌ی دانشگاه‌های دولتی از طریق فروش مدارک علمی در قالب پردیس تأمین می‌شود. در واقع در بسیاری از موارد انجام تخلف و فساد قانونی شده است.

عدم توجه به پیامدهای تعارض منافع، باعث گسترش قاعده‌ی «درهای چرخان» فساد در کشور شده، به‌صورتی که مدیران بانک مرکزی، بدون حساب و کتاب مجوز بانک خصوصی می‌دهند و سپس مدیران بانک‌های خصوصی می‌شوند، ممیزین مالیاتی و ذی‌حسابان دارایی، مشاور رسمی مالیاتی و حسابدار رسمی (حسابرس مستقل) می‌شوند، قضات قوه‌ی قضاییه وکیل دادگستری می‌شوند، مدیران سازمان بورس و اوراق بهادار مجوزات انحصاری کسب‌وکار بازار سرمایه را دریافت می‌کنند، دولت شرکت‌های متعلق به ملت را مدیریت می‌کند و سپس خودش را حسابرسی می‌کند، مدیران سازمان حسابرسی مدیران صاحب‌کاران و اعضای هیأت عالی نظارت خود می‌شوند، مستخدمین رسمی دولت در ساعات اداری در دانشگاه دولتی تحصیلات تکمیلی می‌کنند سپس مدیر می‌شوند و بعد عضو هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی و سپس کارشناس رسمی می‌شوند و بعد فرزندان‌شان امتیاز خاص می‌گیرند، تعاونی مسکن نهادهای نظارتی توسط نظارت شوندگان شارژ می‌شود، دفاتر الکترونیک نهادهای به کارکنان آن‌ها واگذار می‌شود، برون سپاری خرید خدمات شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی به تعاونی‌های کارکنان خودشان محول می‌شود، نهادهای امنیتی، نظامی و



انتظامی به صورت مستقیم و غیر مستقیم (بنیاد تعاون) وارد فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند و... در صورتی که مقامات نظارتی و تنظیم گر نباید بدون ضوابط مشخص به بخش‌های اجرایی تحت نظارت و حاکمیت سابق خود وارد شوند. باید از اشاعه‌ی ویروس فساد و چرخه‌های تالی فاسد جلوگیری کنیم. باید هافبک‌های فساد را در هر سیستم شناسایی و بابت اقدامات آن‌ها برنامه مصون سازی مشخص داشته باشیم. یکی از رهبران چین در این زمینه می‌گوید فساد، حزب (حاکم) را خواهد کشت و مبارزه با فساد هم آن‌را خواهد کشت. یعنی با گسترش سطوح آلودگی و فساد پروری، دیگر فعالیت بدون فساد امکان پذیر نخواهد بود و سیستم فاسد قطعاً منافع ذی‌نفعان فساد را تأمین خواهد کرد. فقط با حرف، داعیه و ژست ضدفساد نمی‌شود. مبارزه با فساد نقشه‌ی راه و افراد پاک‌دست و سالم می‌خواهد. به‌قولی رطب خورده، منع رطب کی کند و به تعبیر مقام معظم رهبری با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد.

راهکارهایی که در بیش‌تر کشورهای جهان جواب داده حذف ساختارهای فسادزا بوده است. ظاهراً موضوع مبارزه با فساد خیلی پیچیده است ولی راه حل آن بسیار ساده است و آن فقط و فقط برگشت دولت به جایگاه اصلی در اقتصاد که همان نقش برج مراقبت و سکانداری است نه انجام توأمان و همزمان وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری و نظارتی و رقابت با بخش خصوصی. دولت باید محتاج بخش خصوصی باشد نه این که بخش خصوصی وام‌دار دولت باشد.

باید فرهنگ منافع فردی، سازمانی و جناحی به فرهنگ منافع جمعی و ملی تبدیل شود. با این ساختار و فرهنگ غالب حاکمیت، بخش خصوصی از همه‌ی بخش‌های دولتی و عمومی واهمه و ترس دارد چون تمام امور قائم به نظر شخصی افراد است و اگر

کوچک‌ترین شخص در سازمانی از او خوشش نیاید فاتحه‌اش خوانده است. بنابراین باید فرایندهای قائم به فرد به فرایندهای قائم به ساختار تبدیل شوند. سپس وجود اراده‌ی قوی سیاسی برای مبارزه با فساد و بدون خطوط قرمز و نگاه ابزاری، تبلیغاتی، شعاری، گزینشی، مصلحت‌اندیشی و سیاست‌زدگی، آن‌گاه، سیستم و جریان‌سازی از طریق بسیج همگانی و وفاق ملی برپایه‌ی دسترسی به اطلاعات آزاد و شفاف و مشارکت رسانه‌های گروهی مستقل، نهادهای مردم‌نهاد و مدنی، نظام کارآمد مجازات علنی، هوشمندسازی اقتصاد و کسب‌وکارها، برقراری سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه بین‌دستگاهی و نظارت‌های سیستمی به‌موقع و اثر بخش بوده است.

در این مدل از قاعده‌ی مدیریتی بهبود مستمر مبتنی بر اصلاح ساختارها، رفتارها و زیر ساخت‌ها با زنجیره‌ی تأثیرگذاری هماهنگ استفاده شده است. در این زمینه اولین

قدم اصلاح ساختارها شامل نوسازی و بازسازی ساختارهای موجود است. حذف فساد سیاسی مقدمه‌ی مبارزه با فساد مالی و دیگر فسادهاست. مجلس به عنوان بالاترین رکن نظارتی کشور باید اول مورد دگرگون‌سازی قرار گیرد. اصلاح در قوه‌ی مقننه و چرخش مجلس از کارخانه‌ی تولید قانون به دستگاه عالی نظارت بر قدرت و اعلام عمومی هزینه‌های شرکت در انتخابات و شفاف‌سازی هزینه‌های ورود به مجلس و شفافیت آرای نمایندگان و تدوین و اجرای اصول رفتاری نمایندگان. طبق قانون اساسی فرانسه رئیس دیوان محاسبات در هر دوره‌ی قانون‌گذاری از حزب مخالف انتخاب می‌شود. این یعنی تأمین استقلال حسابرسی و نظارت مالی، فرانسه با دویست سال سابقه‌ی قانون‌گذاری حدود ۳۸۰۰ قانون تولید کرده در صورتی که مجلس ما با ۱۰۰ سال سابقه حدود یازده هزار قانون تصویب کرده است. این تجربیات باید مورد استفاده



قرار گیرد. ما به جای مقررات‌گذاری نیازمند مقررات‌زدايي هستيم. در انتخابات رياست‌جمهوری، نمايندگان مجلس و اعضای شورای شهر زنجيره‌ی تأثیرگذاری دموکراسی باید به‌طور پیوسته وجود داشته باشد. پيش‌نیاز انتخابات فعاليت احزاب قوی است. بعد از هر «انتخاب» هزاران «انتصاب» گاه ويرانگر وجود دارد! این «انتصابات» باید ضابطه مند باشد. نمی‌شود فقط با یک صندوق رأی کار را تمام‌شده تلقی کنیم. قبل و بعد از انتخابات مستلزم به‌کارگیری سازوکار و اقدامات لازم و ضروری مختص خود است. در بخش قوه‌ی مجریه طبق بند اول اصل سوم قانون اساسی دولت مکلف به مبارزه با مظاهر فساد با همه‌ی امکانات خود شده است در صورتی که تاکنون مفاد اصل سوم قانون اساسی مغفول مانده است. بدون اصلاحات ساختاری اقتصادی و ثبات و امنیت اقتصادی، حقوق و دستمزدهای پایین و ادامه‌ی روند فعلی تعدد مراکز مقررات‌گذار، پرداخت یارانه‌های پیدا و

پنهان، میزان بهره‌وری، رشد نقدینگی، نظام بانکی، صندوق‌های بازنشستگی، مالیات‌ستانی، خصوصی‌سازی، تصدیگری دولتی، کسب‌وکار بخش خصوصی، و بودجه‌ریزی نتیجه‌ی ملموسی از مبارزه با فساد حاصل نخواهد شد. اصلاحات نهادی گسترده در بدنه‌ی دولت به‌صورتی که با حدود ۴۵۰ شهرستان هر وزارتخانه و سازمان و مؤسسه‌ی دولتی و عمومی ۴۵۰ رئیس اداره و متصدیان مربوط در سراسر کشور دارد. این نظام در ابتدای استقرار که مستلزم اقتدارگرایی و حفظ قدرت توسط دولت مرکزی بود ضروری بود لیکن در حال حاضر نیازمند یک خانه‌تکانی زیربنایی است. مطالعه و اتخاذ رویکرد غیر متمرکز و توزیع قدرت در این زمینه ضرورت دارد. در قوه‌ی قضاییه بدون استقرار دادگاه‌های تخصصی اقتصادی، مالی و قانون تجارت با قضات و وکلای مستقل، مستشاران و کارشناسان مجرب و مسلط و با ساعت کار نیمه وقت از ۹ صبح تا

۱۲ ظهر و بدون لحاظ اصل فوریت و چابکی لازم توفیق مناسبی در کاهش فساد نخواهیم داشت. به‌قول معروف قوه‌ی قضاییه اگر مثل تار عنکبوت باشد که فقط حشرات ریز در آن گیر بیفتند و حیوانات بزرگ از آن به‌راحتی عبور کنند به مثابه سنگ را بستن و سگ را رها کردن است و نتیجه‌ی ای حاصل نخواهد شد. اقامه‌ی عدالت دستگاه قضایی باید با محاکمه‌ی علنی همه‌ی متهمان یقه‌سفید، دانه‌درشت، سلطان و صاحبان و اقارب زر و زور بدون استثنا و خطوط قرمز نشان داده شود. گرچه اقدامات ریاست محترم جدید قوه‌ی قضاییه در این راستا آغاز و پیام و نشانه‌های مؤثر و امیدبخشی به جامعه مخابره شده که قابل تقدیر است و امیدواریم تداوم داشته باشد و گزینشی و جناحی نباشد. همدلی و هم‌زبانی کامل هر سه قوه کشور در مسیر مبارزه با فساد ضروریست بدون وجود مشارکت کامل ارکان حاکمیت و شفافیت در این زمینه نتیجه‌ی مطلوبی حاصل نمی‌شود. قدم

بعدی اصلاح رفتارهاست. جهت تمام مقامات و کارگزاران کشور در تمام سطوح و ابعاد باید اصول رفتاری و اخلاقی تدوین، جاری‌سازی و ضمانت اجرایی آن نیز پیش‌بینی شود. باید اصول اخلاقی درست‌کاری، صداقت، رفتار حرفه‌ای، گزارش‌دهی، حساب‌دهی و پاسخ‌گویی ترویج و زمینه‌های مستعد خطر و تدابیر ایمن‌ساز آن تبیین و آموزش داده شود و فرهنگ اخلاق حسنه در جامعه نهادینه شود.

گام سوم اصلاح زیر ساخت‌های مورد نیاز مبارزه با فساد است. مقررات‌زدایی و اصلاح محیط مقرراتی متورم و حذف قوانین و مقررات فسادزا و وضع قوانین کوتاه، ساده و عملیاتی برای مبارزه با پول‌شویی و فساد است. استقرار محیط مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و هوشمندسازی کسب‌وکارها، برقراری سامانه‌های اطلاعاتی یکپارچه، تضمین آزادی بعد از بیان، شفاف‌سازی و برقراری اتاق شیشه‌ای و انداختن نورافکن جهت کلیه عملیات‌ها، فرآیندها، مجوزها، تصمیمات، انتصابات مقامات، پرداخت‌ها، حق‌الزحمه‌ها، حقوق‌ها، دریافت‌های غیر نقدی، اموال و دارایی مسئولان، مسافرت‌ها و ماموریت‌ها، و خرید کالا و خدمات، برقراری سیستم‌های دسترسی به اطلاعات، برقراری نظام مالی کارآمد و پیاده‌سازی کامل استانداردهای گزارشگری مالی بخش عمومی و بین‌المللی، استقرار نظام‌های مؤثر پاسخ‌گویی، گزارش‌دهی و حساب‌دهی به موقع و در کلیه سطوح حاکمیت.

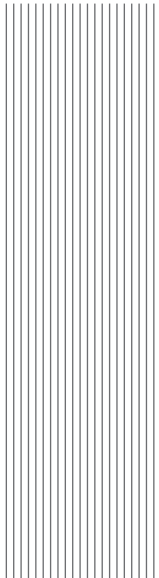
در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، نظام حسابداری و حسابرسی یکی از ملزومات بی‌بدیل حکمرانی خوب محسوب و در واقع پادزهر فساد تلقی می‌شود. «حیف و میل» یکی از مصادیق فساد محسوب می‌شود. بخش خیلی کوچک فساد «میل» کردن است. درواقع نوک کوه یخی که نمایان و دیده می‌شود که همان بردن و خوردن و منتفع شدن

است. در صورتی که بخش خیلی بزرگ فساد «حیف» کردن است که بخش اعظم کوه یخی در زیر آب است نمایان و قابل مشاهده نیست. سوءمدیریت، اتلاف منابع، اتخاذ تصمیمات نادرست، گران اداره کردن، ترک فعل‌ها و هزینه‌ی فرصت از دست رفته است. حرفه‌ی حسابداری در صورت استقرار کامل «حیف کردن‌ها» را نشان می‌دهد و حرفه‌ی حسابرسی نیز در صورت تقویت و توجه «میل کردن‌ها» را گزارش می‌کند. اما استفاده‌ی مؤثر از حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی در کشور به دلیل این که بخش مقررات‌گذاری و سیاست‌گذاری آن تاکنون در اختیار دولت بوده صورت نگرفته است. در صورتی که آموزه‌های فراوان دینی و فرهنگ غنی اسلامی در زمینه توجه ویژه به حساب و کتاب که اساس منظومه‌ی هستی و جهان‌گایی است و حسابداری و حسابرسی از صفات خود خداوند متعال شمرده شده است. لیکن نسبت به حسابداری و حسابرسی در یک کشور اسلامی کم‌توجهی و بی‌مهری فراوانی شده، حتی «بخش فرهنگی کشور» هم حاضر به ثبت روز حسابداری در تقویم رسمی کشور برای فرهنگ‌سازی و معرفی و نهادینه کردن موضوع حساب‌دهی، گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی در سطح ملی نشده است. روز جهانی مبارزه با فساد (۹ دسامبر) هم در تقویم ملی ما جایگاهی ظاهری ندارد.

حسابداری به عنوان یک نظام اطلاعاتی ابزاری برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه است. امروزه تمام تصمیمات پیامد مالی برای مردم دارد و نیازمند خرد مالی است. تهیه و ارزیابی صورت‌های مالی دولت که میزان دارایی و بدهی دولت در ترازنامه‌ی سالانه مشخص باشد. صورت سودزبان ترکیب کسب درآمدها و هزینه‌های اداره‌ی کشور را روشن کند. کشور با چه میزان هزینه اداره می‌شود. گران اداره می‌شود یا ارزان و بهینه. صورت جریان وجوه

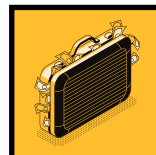
نقد میزان و نسبت هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای و تسهیلات مالی استفاده‌شده را بیان کند. سپس صورت‌های مالی دولت بر مبنای اصل حساب‌دهی و گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی حسابرسی و نظارت مالی شود. حسابرسی از ارکان اساسی پاسخ‌گویی به شمار می‌رود. تقویت و توسعه‌ی حرفه حسابداری و حسابرسی طبق شواهد تجربی به پیشگیری و کاهش فساد کمک کرده و منجر به رشد و توسعه اقتصادی شده است. در پازل مبارزه با فساد هر قطعه نقش اصلی خود را دارد و هر قطعه ای که جا گذاری نشود باعث می‌شود تصویر روشن و شفافی از موضوع نداشته باشیم. قطعه‌ی آخر این پازل، نظارت مالی است. وجود نظارت مالی شرط لازم در مبارزه با فساد است ولی شرط کافی نیست. برای کفایت و اثر بخشی در مبارزه با فساد باید کارکرد و نقش هماهنگ و متوازن کلیه‌ی قطعات پازل موردتوجه باشد و با افزایش فشار نظارتی دل خوش نباشیم. بدون اصلاح زیرساخت‌های ضروری و تنها با تمشیت قهری، تعزیراتی و بفرموده، مبارزه با فساد و کاهش آن مقطعی و مسکنی خواهد بود که عوارض آن بیش‌تر خواهد بود چون تعدد حلقه‌های نظارتی و افزایش آن عمدتاً به افزایش حلقه‌های فساد منجر خواهد شد و باعث می‌شود بجای برخورد با عاملان فساد تنها با افرادی برخورد شود که خود از قربانیان فساد هستند.

به قول معروف ما عقل آخرمان را فقط در مواقع بحران و انفجار به کار می‌گیریم، همیشه نوشدارو بعد از مرگ سهراب داده ایم پس اگر عقل آخرمان را در ابتدای معضلات استفاده کنیم مانع خسارت‌های بیش‌تر می‌شویم. در فسادهای مالی رسانه‌ای شده سنوات اخیر، از جمله پرونده‌ی شهرام جزایری، بابک زنجانی، امیر منصور آریا، تعاونی‌های اعتباری غیربانکی، صندوق



ذخیره‌ی فرهنگیان، بانک سرمایه، تأسیسات دریایی، بیمه ایران، شرکت نفت، پدیده‌ی شاندیز، کنتورسازی و... که باعث خسارت مالی به صدها هزار نفر شده است. آیا بابت عدم تکرار موارد مشابه، ریشه‌یابی و قانون‌گذاری کرده‌ایم؟ اقدامات پیشگیرانه و زیر ساختی و اصلاحی صورت گرفته است؟ آیا به جز رسیدگی‌های طولانی‌مدت و مجازات قربانیان فساد اقدام دیگری صورت گرفته است؟ در زمینه‌ی مبارزه با مواد مخدر آیا با اعدام قربانیان قاچاق تا کنون نتیجه گرفته ایم؟

بیان نمونه و تجربه‌ای در این زمینه بسیار قابل تأمل است. شرکت انرون در امریکا در زمینه انرژی فعالیت می‌کرد که ارزش سهام آن در بورس حدود ۶۰ میلیارد دلار بود و هر سهم آن با ارزش حدود ۹۰ دلار معامله می‌شد. شرکت انرون رتبه‌ی هفتم را در بین پانصد شرکت برتر امریکا بر اساس رتبه‌بندی فورچون به خود اختصاص داده بود. ولی به دلایل احصاء شده توسط کمیته‌ی تحقیق و تفحص از موضوع، تخلفات مدیران، عدم رعایت قوانین و مقررات بازار سرمایه، مشکلات ساختاری در هیأت‌مدیره، معیوب بودن ساختار کنترل‌های داخلی، مدیریت سود، عدم شفافیت و پنهان‌کاری، حساب‌سازی، بی‌توجهی به حقوق سهام‌داران اقلیت، زیر پا گذاشتن اصول و قواعد اخلاقی، روابط ناسالم سیاسی، قصور و اهمال حسابرسان و بازرس قانونی و عدم نظارت کافی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار امریکا این شرکت دچار رسوایی مالی شد و سقوط کرد، به‌طوری که در دوم دسامبر سال ۲۰۰۱ درخواست ورشکستگی کرد و ارزش هر سهم آن به زیر یک دلار رسید. فساد مالی شرکت انرون موجب از دست رفتن سرمایه‌ی هزاران نفر و بیکاری حدود ۲۰ هزار کارمند شد. به فوریت سازمان بورس و اوراق بهادار امریکا تحقیقات خود را



در خصوص علل بروز این فساد مالی در ۱۲ محور به سنا ارایه کرد. سنا بر مبنای تحقیقات سازمان بورس و اوراق بهادار به منظور پیشگیری از تکرار موارد مشابه و رفع تمام نارسایی‌های کشف شده، قانون موسوم به ساربینز-آکسلی را در ۱۱ فصل و ۶۶ بخش که نوعی قانون ضد فساد است در ژوئیه‌ی ۲۰۰۲ تصویب کرد. یعنی ظرف مدت حدود ۹ ماه تحقیق و تفحص و تدوین قانون جامع و مانع، ناظر بر فعالیت کلیه عوامل زنجیره‌ی گزارشگری مالی و ارکان راهبری بنگاه انجام شده است و از همه جالب‌تر این که قانون از سال ۲۰۰۴ لازم‌اجرا شده تا همه‌ی بازیگران بازار سرمایه، بتوانند خود را با شرایط و قواعد جدید بازار تطبیق دهند. این قانون منشاء تحولات مهمی در این حوزه در کشورهای پیشرفته شده است. درحالی‌که در کشور ما صرفاً به فصل اول این قانون چسبیده‌اند. و تصور می‌کنند در صورت پیاده‌سازی فصل اول قانون ساربینز-آکسلی در ایران همچون عصای حضرت موسی (ع) اژدهایی می‌شود که تمام فسادها را خواهد بلعید. در صورتی که غافل از قاعده کل ناقص ملعون هستند که آدم ناخودآگاه یاد حکایت فیل و تاریکی، مولانا می‌افتد که هشتصد سال پیش تفکر سیستمی را به ما یادآوری کرده است. حال مقایسه کنیم موضوع را با تجارب کشور خودمان در زمینه‌ی تدوین قانون ضد فساد، که یکی داستان است پر آب چشم، پیرو فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ در خصوص مبارزه با فساد - بگذریم از بند چهارم توصیه‌های بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ مقام معظم رهبری در خصوص مبارزه با فساد - ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ تشکیل و دولت اقدام به تدوین لایحه مبارزه با فساد کرد و در تاریخ

۱۳۸۴/۲/۱۱ لایحه‌ی پیشنهادی به تصویب هیات وزیران رسید (ظرف ۴ سال) و به مجلس شورای اسلامی ارایه گردید. کمیسیون اجتماعی (!) مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد را تصویب کرد (ظرف سه سال) و شورای نگهبان آن را دارای اشکال دانست و موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد و مجمع مورخ ۱۳۹۰/۸/۷ آن را تصویب نمود (ظرف سه سال) و اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال تصویب شد. حدود ۱۰ سال زمان برای تصویب قانون نیم‌بند مبارزه با فساد صرف شده است که محور اصلی آن هم فقط فرار مالیاتی است! و سپس هر سه سال یکبار تصویب اجرای آزمایشی آن و در انقضای هر دوره چندین ماه بدون قانون مصوب سپری شده است تا مدت آزمایشی آن دوباره تصویب شود و در مورد آخر اجرای آزمایشی آن تا پایان شهریور ۱۳۹۹ تصویب شده است و در حال حاضر بعد از گذشت ۱۸ سال از فرمان مقام معظم رهبری و سپس تأکیدات موكد مستمر سالانه معظم‌له ما قانون دائمی در این زمینه نداریم و دولت کماکان در حال تدوین لایحه سه قلو مبارزه با فساد است. علت اجرای آزمایشی آن عدم اجماع بر روی جامعیت، استحکام و تعارضات آن بوده است. هنوز مخاطبان خاص این قانون آزمایشی با بی‌پروایی کامل از مفاد آن بی‌اطلاع هستند و این روند ادامه دارد و در آخر ما مانده‌ایم و هزار راه نرفته و هنوز به یک راهکار و مدل پیاده شده که به آینده آن امیدوار باشیم نرسیده‌ایم. انسانی که خواب باشد می‌شود بیدار کرد ولی کسی را که خودش را به خواب زده هرگز!

خبر داری از خسروان عجم، که کردند بر زیر دستان ستم؟
نه آن شوکت و پادشاهی بماند، نه آن ظلم بر روستایی بماند. (سعدی) ■